

The civilizational approach of the Ahl al-Bayt (peace be upon them) in the historical chapters of Bihar al-Anwar; Monotheism as a guiding concept ¹

Zahra roohollahiamiri *

Received on: 20/03/2023

Mohsen alviri **

Accepted on: 12/09/2023

Marzieh babakhan ***

Abstract

Purpose: The present research, with the method of thematic analysis, has collected the themes and discovered and extracted the civilizational approach of Ahl al-Bayt alaihim-as-salam in historical narratives from the book of Bihar al-Anwar. These historical reports are collected in four volumes in the book of Bihar al-Anwar in the section of the history of divine prophets. Civilizational approach as a level of analysis is used in this writing as the theoretical structure of the research, in which it seeks to discover the guiding concept and identity of civilization.

Methodology: By examining the narrations, the basic themes were extracted according to the civilization indicators. Then these basic themes were placed in the organizing themes according to the subject unity, which are: ontology, anthropology, values, sociology. These themes were defined in two categories: theoretical foundations and structural foundations under the title of comprehensive theme. The tool for extracting themes from the text is the use of various software in this field. In this research, the MAXQDA software was used for the initial stage, and the initial themes were extracted from Bihar Al-Anwar's book and a network of themes was presented. Then, these basic themes were connected in the network of themes and some sub-themes, some main themes

1 . This article has been extracted from the Ph.D. thesis.

* Assistant Professor of History and Civilization Department, (BOU) University, Qom, Iran.
z.rooholahiamiri@yahoo.com  0000-0001-9777-7251

** Professor of History and Civilization Department, (BOU) University, Qom, Iran.
alvirim@gmail.com  0000-0002-1922-638X

*** Student of History and Civilization Department, (BOU) University, Qom, Iran.

(Corresponding Author).

m.babakhan@chmail.ir

 0000-0002-6233-9742



and some central themes were obtained, and the structure of the research was adjusted accordingly. The theme that connects all these themes together and gives a civilizational identity to the society is monotheism and the call to it by the divine prophets, which has been mentioned many times in the narrations.

Findings: According to the themes extracted, the theme of monotheism has the largest number of themes. Monotheism is considered as a point of gravity of civilization both in terms of quantity and quality. All themes are connected with the theme of monotheism and find meaning with it. Monotheism is the most central and comprehensive belief and religious principle raised in religious texts and the speech and life of divine prophets. By analyzing and explaining monotheism, the truth is revealed that monotheism involves directing personal motives, and on the other hand, it involves human social life. Therefore, monotheism shows itself as the guiding concept of civilization and gives monotheistic societies a civilizational identity.

Conclusion: In explaining the civilization of monotheism, we are not looking for the spiritual or transcendental dimensions of civilization, but we are looking for the macro works of monotheism in this world and in social systems and human relations in this world. Explaining that believing in monotheism in this world also has functions and results that are different from the results of the other world. In this worldly approach to monotheism, our questions are such as "the moral and human nature of monotheism in human relations", "the unifying effects of monotheism in the world" and "ordering or systematizing the functions of monotheism in Islamic civilization". The civilizational approach of Ahl al-Bayt (peace be upon them) is formed on the basis of monotheism and continues and expands on the basis of monotheism. Therefore, a civilized society is a society in which the leader of the society calls people to follow the divine orders that come within the framework of religion, and the law of the society is the same divine religion, and the people have reached growth and excellence. This society will not be practical unless the people are inside the strong and impenetrable fortress of "There is no God but God". Paying attention to this issue and the place of monotheism opens a new horizon in the studies of modern Islamic civilization for researchers.

Keyword: Monotheism, Guiding concept, Civilizational approach, Ahl al-Bayt, peace be upon them, Bihar al-Anwar.

رویکرد تمدنی اهل بیت علیهم السلام در ابواب تاریخی

بحار الانوار؛ توحید به مثابه انگاره هدایت گر^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۹

زهرا روح‌اللهی امیری *

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱

محسن الویری **

مرضیه باباخان ***

چکیده

تمدن‌سازی یکی از گفتمان‌های نوظهور است که در جوامع علمی اذهان متفکران را به خود جلب کرده است. با توجه به اهمیت ترسیم تمدن بر پایه روایات اهل بیت علیهم السلام، پژوهش حاضر، با روش تحلیل مضمون به گردآوری مضامین و کشف و استخراج رویکرد تمدنی اهل بیت علیهم السلام در روایات تاریخی از کتاب بحار الانوار پرداخته است. این گزارش‌های تاریخی در کتاب بحار الانوار در بخش تاریخ انبیاء الهی در چهار جلد جمع‌آوری شده است. رویکرد تمدنی به مثابه سطح تحلیل در این نوشته به عنوان ساختار نظری تحقیق به کاررفته است که در آن به دنبال کشف انگاره هدایت گر و هویت تمدنی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که توحید، محوری‌ترین و جامع‌ترین اصل اعتقادی و دینی مطرح شده در متون دینی و گفتار و سیره‌ی پیامبران الهی است. با تحلیل و تبیین توحید، این حقیقت نمایان می‌شود که توحید متضمن جهت‌دهی به انگیزه‌های شخصی و از طرفی متضمن حیات اجتماعی بشر است. لذا، توحید به عنوان انگاره هدایت گر تمدن خود را نشان می‌دهد و به جوامع توحیدی یک هویت تمدنی می‌بخشد.

کلمات کلیدی: توحید، انگاره هدایت گر، رویکرد تمدنی، اهل بیت علیهم السلام، بحار الانوار.

۱. این مقاله، از رساله‌ی دکتری استخراج شده است.

* استادیار تاریخ، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران.

ID 0000-0001-9777-7251

Z.rooholahiamiri@yahoo.com

** استاد تاریخ، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران.

ID 0000-0002-1922-638X

alvirim@gmail.com

*** دانشجوی دکتری معارف اسلامی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

ID 0000-0002-6233-9742

m.babakhan@chmail.ir



بیان مسئله

تمدن‌سازی مستلزم تمدن‌پژوهی است و اگر مطالعات تمدنی به سمت تمدن‌سازی حرکت نکند و تعریفی از نظام تمدنی نداشته باشد، قابلیت کاربردی خویش را در جامعه‌سازی از دست خواهد داد و به لایه‌های فردی اکتفا خواهد شد. درحالی‌که هدف از تمدن‌پژوهی طرح نظام تمدنی است. یکی از منابعی که می‌تواند ما را در طراحی الگوی تمدن اسلامی یاری دهد و نظام تمدنی مطلوب را ترسیم کند، روایات و احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام است. توجه به نقش تمدن‌سازی گفتمان امامان شیعه علیهم‌السلام، شناخت دیدگاه آنان، حائز اهمیت است. به نظر می‌رسد ائمه معصومین علیهم‌السلام با بیان بخش‌هایی از تاریخ و حوادث گذشته به دنبال بیان واقعیت‌هایی خاص بودند که بیانگر رویکرد تمدنی ایشان در بیان این روایات است.

با توجه به تنوع مصادر تمدن اسلامی باید توجه داشت که تمدن کلان‌ترین و کلی‌ترین سطح از تحلیل را شامل می‌شود؛ بنابراین باید منابع و مصادر تمدنی هم معطوف به همین سطح از نگاه باشند. در نگاهی دیگر، تمدن یک امر انسانی و دریافتنی برای مخاطبان انسانی از هر دین و مذهب است و بر این اساس چیزی می‌تواند مصدریت تمدنی پیدا کند که عام و فراگیر باشد، مفهوم، معقول و مقبول باشد، در نظام ارتباطات اجتماعی و مناسبات انسانی مؤثر باشد و البته در ساختار زندگی دنیا سازنده، مثبت و مفید ارزیابی شود (بابائی، ۱۳۹۹، ص ۲۶۰).

منظور از ابواب تاریخی، ابوابی است که در بحارالانوار، با پیامبران قبل از حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله از جلد ۱۱ در دوره ۱۱۰ جلدی شروع می‌شود و تا امام مهدی علیه‌السلام در جلد ۵۳ ادامه دارد. جلد ۱۱ با عنوان کتاب النبوه به قصص حضرت آدم علیه‌السلام پرداخته و سپس سرگذشت پیامبران دیگر را بیان نموده است. جلد ۱۵ تا ۲۲ تاریخ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، جلد ۲۳ تا ۵۳ مباحث مربوط به ائمه علیهم‌السلام آمده است. در این نوشته با توجه به حجم زیاد ابواب تاریخی در بحارالانوار، در این پژوهش به بخش تاریخ پیامبران قبل از حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله پرداخته و رویکرد تمدنی اهل‌بیت علیهم‌السلام در این ابواب مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

واژه رویکرد معادلی برای «Approach» در زبان انگلیسی است که به دو صورت فعلی و اسمی به کار می‌رود. کاربرد اول آن به صورت فعلی به معنای نزدیک شدن و تقرب زمانی یا مکانی به چیزی است و در شکل اسمی به معنای روش و متد به کار می‌رود (فرهنگ لغت آکسفورد،

۲۰۰۱، ص ۱۵). در ترکیب رویکرد با تمدن به لحاظ اصطلاحی معانی مختلفی اراده می‌شود. رویکرد تمدنی به دنبال بیان تمدنی بودن مقیاس‌ها و چارچوب‌های به کارگیری شده در مطالعه یا تحلیل مفاهیم یا پدیده‌ها و یا هر موضوعی است که خوانش و تفسیر و تحلیل آن از منظرگاه تمدنی ممکن باشد. گاهی رویکرد تمدنی به مثابه سطح تحلیل به کار می‌رود. پژوهشگر در مواجهه خود با هر موضوع یا پدیده‌ای گاهی آن را در کلیت یعنی نگاهی از سطح بالا یا به بیانی دیگر بالاترین سطح نگاه را به عنوان موضوع مورد تحقیق خود برمی‌گزیند و گاهی بخش یا سطح محدودی از آن را انتخاب کرده و بر اساس آن به تحلیل می‌پردازد. از این انتخاب به مقوله سطح تحلیل یاد می‌شود. بنابراین، کاربست سطح تحلیل نشان می‌دهد که از نگاه نظریه پرداز و تحلیلگر کدام یک از کنشگران و یا ابعاد، زمینه مورد پژوهش از اولویت برخوردار است. سطح تحلیل می‌تواند فردی، ملی، سیستمی و یا تمدنی باشد. بنابراین، رویکرد تمدنی به مثابه سطح تحلیل بدین معناست که یک پدیده در سطح تمدن مورد پژوهش و تحلیل قرار می‌گیرد (ساجدی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۰۴).

در این سطح تحلیل علاوه بر توصیف ویژگی‌هایی همچون جامع‌نگری و کلان‌نگری در یک پدیده، فرآیند حرکت پدیده و تأثیر آن در صعود یا نزول حرکت تمدنی را مورد بررسی قرار می‌دهد. در نگاه کلان، تحلیل از خلال مجموعه‌ای از فرایندها و گذر زمان به دست می‌آید. سویه‌های کلان‌نگری را می‌توان در شمولیت زمانی، شمولیت مکانی و جغرافیایی، شمولیت نیازهای انسانی، شمولیت ارتباطی و تطبیقی، شمولیت روشی و شمولیت در هدف تعریف کرد. با این نگرش، با داشتن این ویژگی‌ها، نه تنها مخاطبان ایمانی و اسلامی بلکه مخاطبان دینی و بلکه الحادی را هم می‌توان پوشش عقلانی و توحیدی داد (بابائی، ۱۴۰۰، ص ۷۲). بنابراین، جامع‌نگری و کلان‌نگری دو شاخصه‌ای است که برای استخراج مضامین تمدنی در این پژوهش استفاده شده است. بعد از استخراج مضامین، ایده هدایت‌گر یا نقطه کانونی تمدن به دست می‌آید.

این پژوهش به دنبال نقطه کانونی رویکرد تمدنی اهل بیت علیهم السلام در ابواب تاریخی بحارالانوار است که تحت عنوان ایده هدایت‌گر از آن نام‌برده شده است. برای این منظور از روش «تحلیل مضمون» استفاده می‌شود. استخراج مضامین پایه و سپس دسته‌بندی این مضامین در مضامین سازمان دهنده و فراگیر، روش به دست آوردن نقطه کانونی یا انگاره هدایت‌گر است.

۱. پیشینه‌ی پژوهش

مقاله حاضر به دنبال نقطه کانونی تمدن در رویکرد تمدنی اهل بیت علیهم السلام است که در این زمینه پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است:

الف) برخی از پژوهش‌ها منابع معرفتی و اصول تمدن اسلامی را از منابع اسلامی یعنی قرآن کریم و روایات استخراج کرده‌اند. مانند «مبانی و اصول تمدن اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت» نوشته احمد رضائی، «تحلیل تمدنی روایات کتاب العقل و الجهل الکافی» نوشته علی ملاکظمی و «مؤلفه‌های تمدن در نهج البلاغه» با نویسندگی فاطمه ارسلانی آقکند از این قبیل هستند.

ب) برخی تحقیقات به صورت موردی تحلیل تمدنی از آموزه خاص می‌باشد. از جمله این نوشته‌ها عبارت است از: «ظرفیت شناسی رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه به آموزه مهدویت در بستر تمدن نوین اسلامی» نوشته برزویی و جهانگیری، «سبک زندگی اشرافی در روایات امام علی علیه السلام و پیامدهای تمدنی آن» نوشته جمیله شکری و ثریا قطبی از این قبیل هستند.

ج) با توجه به روش استفاده‌شده در این مقاله نیز نوشته‌هایی با توجه به آن وجود دارد. مقاله «تحلیل مضمون و شبکه مضمون: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی» نوشته حسن عابدی جعفری و همکارانش، «تمدن به‌مثابه سطح تحلیل» نوشته رسول نوروزی فیروز مواردی از این قبیل هستند.

تمایز این نوشته‌ها با موضوع مدنظر ما در این تحقیق کاملاً روشن است. علاوه بر تفاوت در روش تحقیق، در محتوا نیز کاملاً مغایر می‌باشد. پژوهش حاضر به دنبال ایده هدایت‌گر تمدن در روایات اهل بیت علیهم السلام است.

۲. چارچوب مفهومی پژوهش

تمدن در لغت از ریشه مدن و به معنای انتساب و استناد به مدینه است و در تعبیری دیگر، شهرنشینی، شهرنشین شدن و پرورش یا همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی بیان شده است (صلیبا، ۱۳۷۰، ص ۱۷۲). اما در اصطلاح، معانی مختلفی به چشم می‌خورد. دورانت تمدن را نوعی نظم اجتماعی می‌داند که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی ممکن می‌شود و جریان می‌یابد (دورانت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۰). ابن خلدون نیز تمدن را به حالت اجتماعی انسان اطلاق

می‌کند و اجتماع انسان را مفهومی می‌داند که از آن باید به مدنیت یاد کرد (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۱). سبحانی تعریف برای تمدن را به این صورت بیان می‌کند: «تمدن عینیت یافتن ارزش‌ها و مطلوب‌های انسانی در بستر حیات فردی و اجتماعی است.» (سبحانی، ۱۳۹۳، ص ۶) مقام معظم رهبری نیز تعریفی از تمدن ارائه دادند که در این تعریف آمده است: تمدن پیشرفتی همه‌جانبه (مادی و معنوی) است که دارای دو بخش ابزارری (صنعت و فناوری، علم و اختراع) و اصلی (فرهنگ و سبک زندگی) است و هدف آن، تکامل مادی و معنوی انسان، رسیدن به حیات طیبه و تحقق عبودیت و قرب الهی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳). در این مقاله هدف و منظور از تمدن، ترکیبی از دو تعریف اخیر است.

در ترکیب رویکرد با تمدن به لحاظ اصطلاحی معانی مختلفی اراده می‌شود. رویکرد تمدنی رویکردی کلان‌نگر و همگرا همراه با تأمل در گذشته تاریخی یک ملت یا امت و چالش‌ها و فرصت‌های زمان حال آن برای ساختن فضای زیست مطلوب اجتماعی در آینده است. مهم‌ترین مؤلفه‌های این رویکرد عبارت‌اند از: کلان‌نگری، توجه به گستره وسیع مناسبات اجتماعی و انسانی در گستره وسیع سرزمینی و جغرافیایی، نگاه به نیازهای انسان از آن جهت که انسان است فارغ از تنوعات و تکثرهای قومی، مذهبی، زبانی، گفتمانی و نژادی، پذیرش تنوع، تمایز و تکثر در ابعاد شکلی و بعضاً محتوایی حیات بر اساس تفاوت شرایط محیطی و اوضاع زمانه همراه با تأمل در تعیین تاریخی ملت یا امت و افق‌های تمدنی فراروی آن (امیدی، ۱۴۰۰، ص ۳۸). دومین معنا برای این اصطلاح در ادبیات علوم اجتماعی، رویکرد تمدنی به مثابه کلان‌نگری است. لذا مهم‌ترین ویژگی تمدن هم کلان‌نگری است. با آنکه برای تمدن شاخص‌های متعددی ذکر می‌شود؛ اما با استناد به نظریه کالینگوود ذیل بحثی با عنوان «ذات تمدن» استدلال می‌شود که باید همه را به یک امر یا یک شاخص تحویل برد. در این معنای دوم، همه شاخص‌های تمدن به کلان‌نگر بودن تحویل برده شده و سپس ابعاد مختلف این کلان‌نگری به تفصیل شرح داده می‌شود. (ساجدی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۷۱).

۳. چارچوب مفهومی: انگاره هدایت‌گر

یکی از پرسش‌های اساسی در تمدن‌پژوهی کشف مهم‌ترین مؤلفه هر تمدن است که از آن به

نام‌های مختلفی یاد شده است. سید حسین نصر در حوزه مطالعات تمدنی، انگاره هدایت‌گر تمدن را مطرح کرده است. به باور او، هر تمدنی از یک انگاره هدایت‌گر و موتور محرک برخوردار است که تمدن را در جهت تمدن شدن قرار می‌دهد. هر تمدنی بسته به تعریفی که از خود و دیگری ارائه می‌دهد، انگاره هدایت‌گر را تبیین می‌کند. نصر، انگاره هدایت‌گر را به‌عنوان روحی که تمدن را می‌سازد معرفی می‌کند (رشید، ۱۳۸۴، ص ۲۴۳). مهدی مظفری نیز همانند نصر به مقوله‌ای به نام معیار تمدن می‌پردازد: هر تمدنی معیار خودش را دارد. معیار هر تمدنی بیانگر کارت شناسایی و دی ان دی آن تمدن است. افزون بر آن، معیار تمدن ملاکی برای تعیین این نکته است که چه کسی غیر متمدن و چه کسی متمدن است. غیر متمدن در یک تمدن می‌تواند در تمدن دیگر متمدن در نظر گرفته شود و برعکس (نوروزی فیروز، ۱۳۹۴، ص ۴۷).

به عبارتی دیگر، هر نظام تمدنی دارای مفهوم مرکزی است که همه مفاهیم دیگر حول آن شکل می‌گیرند. آموزه‌های پراکنده و غیرمنسجم نمی‌توانند جامعه متمدن بسازند. بلکه باید در یکجا و در یک جهت با هم هماهنگ شوند تا به یک نظام منسجم رسید که امکان تحقق تمدن و اجرایی شدن آموزه‌ها باشد. این همان روح تمدن یا ایده هدایت‌گر تمدن است که همه مضامین و مفاهیم را در یک جهت به هم می‌رساند و باعث تغییر در اولویت‌ها و نیازها و جهت‌دهی آن‌ها می‌شود.

اهمیت به دست آوردن روح و قلب یا نقطه کانونی تمدن یا معیار تمدن، از این جهت است که پذیرش هر مقوله‌ای به‌عنوان انگاره هدایت‌گر و قلب تمدن، پیامدهای خاص خود را در فرایند شکل‌دهی به تمدن خواهد گذارد، برای نمونه اگر اقتصاد مانند رویکردهای مارکسیستی قلب تمدن باشد، مسائل متفاوتی طرح خواهد شد، اگر دین انگاره هدایت‌گر تمدن باشد، بنا به قاعده باید شاهد ظهور تمدن‌های دینی متعددی بود و هر دین بر اساس قواعد و هنجارهای خاص خود تمدن‌هایی را بنا کرده باشد، اگر اخلاق خاستگاه و انگاره هدایت‌گر تمدن باشد، تمدن متفاوتی را شکل خواهد گرفت (همان، ص ۴۸).

انگاره هدایت‌گر تولیدکننده هویت تمدنی است که سبب تمایز تمدن‌ها از یکدیگر می‌شود. بر این اساس، نخست باید عناصر و منابع تشکیل‌دهنده تمدن را بشناسد و سپس تعیین کند که از منظر وی کدام یک از عناصر به مثابه انگاره هدایت‌گر تمدن عمل می‌کند که با نبود آن تمدن معیار تمدن بودن را از دست می‌دهد و هرگز تحقق عینی نمی‌یابد. هویت تمدنی شرط انسجام و وحدت

اجتماعی و پیوستگی تاریخی یک تمدن است. به عبارتی دیگر، هویت تمدنی به باور آگاهانه یک ملت از خود بر اساس رسالت تاریخی و مسئولیت ایجاد یک تمدن، هویت تمدنی گفته می‌شود.

۴. روش پژوهش

یکی از فنون تحلیلی مناسب در تحقیقات کیفی، تحلیل مضمون است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون، برخلاف روش‌های کیفی دیگر، به چارچوبی نظری - که از قبل وجود داشته باشد - وابسته نیست و از آن می‌توان در چارچوب‌های نظری متفاوت و برای امور مختلف، استفاده کرد.

یکی از بحث‌های اساسی تحلیل مضمون این است که مضمون چیست؟ و چرا و چگونه در داده‌ها شناخته می‌شود؟ پژوهشگران تقسیم‌های مختلفی از انواع مضامین یا جایگاه آن‌ها ارائه دادند. تعریف مختار این نوشته عبارت است از: مضمون، ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر، نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است. با توجه به انواع مضامین و فرایند تحلیلی هر یک، آنچه در این پژوهش به کار می‌آید عبارت است از:

- مضامین فراگیر (در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد)
 - مضامین سازمان دهنده (واسط مضامین فراگیر و پایه است)
 - مضامین پایه (مبین نکته مهمی در متن است و با ترکیب آن‌ها، مضمون سازمان دهنده ایجاد می‌شود)
- البته پژوهشگر باید تا حدودی منعطف باشد، زیرا تبعیت صرف از قواعد در شناخت مضامین، کاربردی ندارد.

برای شناخت مضامین پایه از فنون ذیل استفاده می‌شود:

جدول ۱. روش‌ها و فنون مناسب جهت شناخت مضمون

نحوه کاربرد	فنون	روش شناخت مضمون
• شناخت کلمات و عبارات مترادف و تکراری • شناخت اصطلاحات و عبارات ظاهراً ناآشنا • شناخت واژه‌های کلیدی و مصادیق آنها	• توجه به کلمات تکراری • توجه به کلمات مکنون • توجه به کلمات کلیدی	توجه به کلمات در متن

ابزار استخراج مضامین از متن، استفاده از نرم‌افزارهای گوناگون در این زمینه است. در این پژوهش برای مرحله اولیه از نرم‌افزار MAXQDA استفاده شده است و تم‌های اولیه از کتاب بحارالانوار استخراج و یک شبکه مضامین ارائه شده است. سپس این مضامین پایه اولیه را در شبکه مضامین به هم ارتباط داده و چند تم فرعی، چند تم اصلی و چند تم مرکزی به دست آورده و بر این اساس ساختار پژوهش تنظیم یافته است.

همانگونه که ذکر شد، روش‌های مختلفی برای تحلیل مضمون وجود دارد که هر یک از آنها، فرایندهای خاصی را دنبال می‌کند. در این پژوهش، با ترکیب روش پیشنهادی کینگ و هاروکس (۲۰۱۰)، براون و کلارک (۲۰۰۶) و آتراید-استیرلینگ (۲۰۰۱)، فرایند گام‌به‌گام جهت تحلیل مضمون، به کار گرفته می‌شود (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۶۲).

ابتدا همه داده‌ها، کدگذاری اولیه و گردآوری شده‌اند و فهرستی طولانی از کدهای مختلف در مجموعه داده‌ها، جمع‌آوری شد. سپس، همه داده‌های کدگذاشته مرتب با هم، گردآوری و تحت مضامین سازمان دهنده در جدول آمده است. اساساً در این مرحله، کدها تجزیه و تحلیل می‌شود و به نحوه ترکیب و تلفیق کدهای مختلف جهت تشکیل مضمون سازمان دهنده، توجه شده است. بعداز آن که مضامین به دست آمده از متن در گروه‌های مشابه و منسجمی دسته‌بندی شدند در مرحله بعد گروه‌بندی مضامین سازمان‌دهنده، بر اساس محتوا و در صورت لزوم بر اساس مبانی نظری تحت عنوان مضامین فراگیر است.

شبکه‌های مضامین به دست آمده، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. شبکه‌های مضامین، ابزاری برای تحلیل هستند، نه خود تحلیل. این شبکه‌ها به محقق کمک می‌کند تا به درک عمیق‌تری از معانی متون برسد و بتواند مضامین به دست آمده را تشریح کند و الگوهای آن‌ها را بشناسد.

بعد از جمع‌آوری داده‌ها، برای تحلیل مطالب و کدگذاری اطلاعات جهت تحلیل متن و ارائه الگو و نظریه از نرم‌افزار maxqda استفاده شد. با کدگذاری ۵۰ مضمون اولیه و پایه استخراج شد و سپس در مراحل بعدی از طریق بازخوانی و مقایسه مکرر مضمون‌های اولیه و مضمون‌های سطوح بالاتر و اصلاح چندباره آن‌ها و تجمیع کدها بر اساس شباهت و تفاوت در مضامین کلی چون هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی و مباحث اجتماعی یا اجتماع‌شناسی قرار گرفتند.

فرایند کار به این صورت بوده است: مضامینی که منشأ و مبدأ آنها مشترک است، در یک زیرمجموعه قرار گرفت. مثلاً اطاعت از خداوند، دعوت مردم به ایمان به خدا، خداجویی، دعوت به عبادت، شناخت خداوند، تسبیح خداوند و سنت الهی و اراده الهی و تربیت الهی در مضمون اصلی توحید قرار می‌گیرد. ایمان به ادیان، توصیه به حفظ دین، ولایت‌پذیری ذیل مضمون اصلی نبوت جا می‌گیرد. عمل برای آخرت و مرگ نیز در مضمون اصلی معاد قرار می‌گیرد. بنابراین سه مضمون توحید، نبوت و معاد از مضامین اصلی است که از مضامین پایه فرعی استخراج شد.

مضامین فرعی دیگر چون تربیت‌پذیر بودن انسان، میل به جاودانگی در انسان، انتخاب‌گر، مسئول بودن در قبال اعمال خویش و کمال‌جویی و نافرمانی انسان از مولای خویش و فتنه‌گری با اموال و در غیبت رهبر را می‌توان در مضامین اصلی مخلوق خداوند، دوبعدی بودن انسان، اختیار و اراده انسان تعریف کرد.

مضامین پایه اولیه‌ای چون رفتار مناسب با مردم ضعیف، پرهیز از ظلم، چشم‌پوشی از خطای دیگران، پرهیز از عجب و حسادت و غضب، مدارا با مردم، سبک زندگی، اهمیت به خانواده و افزایش جمعیت با هدف عبودیت، عزت‌نفس، اهمیت دادن به کار، عدم اعتنا به دنیا و حشرونشر با افراد مخالف و تقیه و مردم‌مداری را می‌توان در مضامین اصلی چون خیرخواهی و حسن نیت، رستگاری‌باوری، خوداتکایی، پیشرفت، هم‌نوایی، لذت‌گرایی و سنت قرار داد.

برخی از مضامین که از روایات استخراج شد بیان‌کننده‌ی ویژگی خاصی از پیامبر به‌عنوان رهبر جامعه است. مضامینی چون: توکل، دوری از تکبر، صبر و تحمل، سخاوت، صلاحیت علمی و جسمی، برپایی عدالت، قضاوت بالحق، ادای امانت. البته باید توجه داشت که سایر افراد یک جامعه نیز می‌توانند دارای این ویژگی‌ها باشند، اما در اینجا ذیل ویژگی‌های رهبر یک جامعه آمده است زیرا در روایات به‌طور خاص به پیامبر اشاره دارد.

در ادامه مطالب، مضامین اصلی در مضامین سازمان‌دهنده تعریف شدند. توحید، نبوت و معاد ذیل مضمون سازمان‌دهنده هستی‌شناسی جای گرفتند. هستی‌شناسی دانشی فلسفی است که درصدد شناخت هستی و قوانین موجود در آن است. لذا به مباحثی چون مبدأ جهان و پایان جهان و... می‌پردازد. بر اساس این هستی‌شناسی است که می‌توان جوامع انسانی را به جامعه الهی و غیر الهی تقسیم کرد. دوبعدی بودن انسان و اختیار و اراده انسان و مخلوق خداوند بودن ذیل

انسان‌شناسی قرار گرفتند. شناختی که در هر مکتب از انسان و استعدادهای وی بیان می‌کند، انسان‌شناسی آن مکتب نامیده می‌شود. مطالبی از این قبیل که: آیا انسان موجودی صد در صد مادی و طبیعی است یا بعد الهی و جنبه غیرمادی نیز دارد؟ آیا انسان موجودی مجبور است یا صاحب اختیار است که می‌تواند با انتخاب خویش سرنوشت و شخصیت خویش را بسازد؟ آیا سرنوشت انسان به همین زندگانی دنیوی محدود می‌شود یا فردایی نیز هست؟ مباحث خیرخواهی و حسن نیت و خوداتکایی و پیشرفت و... ذیل ارزش‌شناسی تعریف شدند. ارزش‌ها غالباً به ایده‌هایی اطلاق می‌شود که انسان‌ها درباره آن خوب و بد، مطلوب و نامطلوب قضاوت می‌کنند. در فرهنگ فلسفی چهار مفهوم برای ارزش ارائه شده است: اول، ارزش به‌عنوان چیزی که فرد یا گروهی به آن علاقه دارد.

جدول ۲. مضامین پایه و سازمان‌دهنده

ردیف	مضامین پایه	مضمون سازمان دهنده
۱	توحید- نبوت- معاد- ولایت‌پذیری- شناخت خداوند- اطاعت از خداوند- مرگ- خداجویی- سنت الهی- اراده الهی- دعوت مردم به ایمان به خداوند- ایمان به جمیع ادیان- حفظ دین- دعوت به عبادت- تربیت الهی	هستی‌شناسی
۲	ویژگی‌های رهبر: دارای نور و علم و حکمت و کتاب- تسبیح خداوند و رضایت- تواضع- دوری از تکبر- صبر- علم- قضاوت بالحق- تفکر در امر خداوند و نگاه عمیق- علم- یاری شده توسط خداوند- عدم ترس و شجاعت- محبت به خداوند- توکل- صلاحیت- حکمت و علم و خشوع- صبر- عدالت- ایمان- اطعام و برپایی صلاه اللیل- تفکر در امر الهی- دعا کردن- راستگویی و ادای امانت- عدم حسادت	مباحث اجتماعی (اجتماع‌شناسی)
۳	وجود مواعظ و امثال در انجیل- رفتار با مردم ضعیف- پرهیز از ظلم- حشرونشر با مخالف- دوری از جدل به دلیل افزایش دشمنی- دوری از لجاجت- یادآوری خطاهای خویش و چشم‌پوشی از خطای دیگران- عیب‌جویی نکردن از مردم- عدم اعتنا به دنیا- عدم حسادت- رفتار مناسب با مردم ضعیف- مردم‌داری- جایگاه تقیه- برپایی عدالت در جامعه- تسبیح خداوند به سبب افزایش جمعیت- سبک زندگی- تقسیم ساعات شبانه‌روز- توجه به زمان و تطبیق با آن- اهمیت کار و عدم استفاده از بیت‌المال- اطاعت از خداوند- آنچه برای خوددوست داری برای دیگران هم دوست بدار- اهمیت خانواده- توجه به زمان خویش- صبر بر اطاعت- امت واحد- توجه به زمان خویش- اسلام برای همه زمان‌ها- اهمیت کار- زمان مناسب دعا بعد از نماز- زمان مناسب دعا در سحر- زمان مناسب دعا در روز جمعه- عبادت	ارزش‌شناسی
۴	نافرمانی کردن از اوامر الهی- بازگشت به خدا و توبه و پشیمانی از کار- فتنه‌گری با اموال و عطاها- جایگاه زن- نافرمانی کردن از فرمان رسالت- فتنه‌گری در غیبت رهبر- بازگشت به خدا	انسان‌شناسی

دوم، چیزی که کم و بیش در میان عده‌ای مورد توجه و احترام است. سوم، وقتی که فرد یا گروهی در رسیدن به هدف خود، ارضا می‌شوند. و چهارم، از جنبه اقتصادی که ارزش کالا و عمل مطرح است (محسنی، ۱۳۷۴، ص ۲۱۷) ویژگی‌های رهبر جامعه نیز در مطالعات اجتماعی یا به بیان دیگر اجتماع‌شناسی قرار گرفت. یک اجتماع برای رسیدن به سعادت و تکامل خویش ارکانی را لازم دارد. این ارکان عبارت است از حاکم، مردم، قانون. هر کدام از این ارکان دارای ویژگی‌هایی است که باید با توجه به روایات به آن رسید.

۵. بررسی و تحلیل مضامین و یافته‌های حاصل از آن

تمدن وسیع‌ترین قلمرو دنیایی است که همه ساحت‌های فردی و اجتماعی و مادی و معنوی را در بر می‌گیرد و عملی شدن و عینیت یافتن آموزه‌های دینی و وحیانی را تضمین می‌کند. تمدن می‌تواند هویت دینی، هویت ملی، هویت انسانی و هویت اخلاقی را در قلمرو گسترده‌ای در هم آمیزد و هویتی درهم تنیده را در میان بشر یا دست‌کم امت مسلمان پدید آورد. لذا، باید در کاوش‌های تمدنی هم به مبانی نظری و هم مبانی عملی تمدن و ارتباط و هماهنگی آنان بررسی شود.

هر اندیشه تمدنی بر شالوده بنیان‌های فکری استوار می‌گردد که این بنیان‌ها، پایه‌های اساسی تمدن‌سازی را فراهم ساخته و بر اساس آن‌ها انسان‌ها به مثابه عوامل تمدن‌ساز، قواعد آن را تنظیم و فرآیند آن را شکل می‌دهند. فهم بنیان‌های مذکور، ماهیت تمدن‌سازی را آشکار ساخته و امکان شکل‌گیری تمدن بر پایه آن بنیان‌ها را فراهم می‌سازد. اهل بیت علیهم‌السلام رکن اول جهان‌بینی را توحید می‌دانند؛ رکنی که به همه عناصر و ابعاد حیات انسانی رنگ متفاوتی می‌دهد. از نظر ایشان، ریشه استوار و اندیشه زیربنایی جامعه، جهان‌بینی توحیدی است. تفسیر انسان، تفسیر تاریخ، تحلیل حوادث حال و گذشته و آینده، تفسیر طبیعت، تبیین همه علایقی که انسان را با دنیای بیرون از وجود او مرتبط می‌کند و نیز فهم و درک آدمی از وجود خود و خلاصه، همه چیزهایی که نظام ارزشی جامعه را می‌سازد و آن را بر اداره مطلوب خود قادر می‌کند، همگی از این جهان‌بینی الهی ریشه گرفته و منشعب می‌شود. اهل بیت علیهم‌السلام با نگرش به ارتباط وثیق بین مبانی اعتقادی و ساخت کلی جامعه بیان می‌دارند که اعتقاد به خدا در شکل کلی جامعه و نیز در روحيات یکایک افراد جامعه باید آثار سازنده و فعالی داشته باشد.

جدول ۳. فراوانی مضامین استخراج شده توسط maxqda

ردیف	مضمون	فراوانی
۱	توحید	۵۰
۲	ولایت‌پذیری	۲۳
۳	اراده الهی	۲۱
۴	نبوت	۱۸
۵	اهمیت و جایگاه خانواده	۱۲
۶	زمان مناسب دعا	۱۱
۷	سنت الهی	۱۰
۸	ویژگی‌های رهبر	۱۰
۹	معاد	۱۰
۱۰	اهمیت کار	۶

با توجه به مضامین که نمودار آن آمده است، مضمون توحید بالاترین تعداد مضامین را دارد. توحید هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت نقطه ثقل شاخص تمدنی محسوب می‌شود. همه مضامین نیز با مضمون توحید در ارتباط و با آن معنا پیدا می‌کنند. مضمون اطاعت از خداوند، ایمان به خدا و شناخت خداوند ارتباط مستقیم با توحید دارند. چرا که در روایات وقتی انبیای الهی مردم را دعوت به اطاعت از خداوند و ایمان به خدا می‌کنند یا شناخت خداوند را یادآور می‌شوند، منظور خداوند احد است و این جز توحید نیست. محور عبودیت، پرستش خدای یگانه و عدم پرستش دیگر معبودان است. معبود الله است که توحید از مهم‌ترین واژه‌هایی است که جهان‌بینی عبودیت بر اساس آن قابل‌تصور است.

ایمان به پیامبر الهی و تبعیت از وی از جمله تأکیدات اهل بیت علیهم‌السلام است. ایمان به ادیان و توصیه به حفظ دین با نبوت در ارتباط است. پیامبران از طرف خداوند متعال برنامه و چهارچوب زندگی انسان‌ها را آوردند تا هم حیات دنیوی و هم حیات اخروی آنان تضمین شود. این برنامه کلی که در اصطلاح دین گفته می‌شود در زمان‌های مختلف و توسط پیامبران مختلفی عرضه شده است. یکی از شاخص‌های تمدنی در بینش و رویکرد اهل بیت علیهم‌السلام ایمان به ادیان الهی و یا یکی بودن همه ادیان در قاعده طولی یعنی همه انبیاء آمدند تا یک جهان یکدست و به‌دوراز

تکثرگرایی و تشتت را برای انسان‌ها رقم بزنند. نبوت بدون توحید قابل تصور نیست. معاد نیز علاوه بر کارکردهای دنیوی که در آن وجود دارد، مانند پرهیز از ظلم به دیگران و حق‌طلبی و رعایت حقوق دیگران، خود در ارتباط تنگاتنگ با توحید است. لذا، نقطه ثقل هستی‌شناسی توجه به توحید است.

با توجه به ارتباط این مضامین با توحید، همه آن‌ها ذیل مضمون اصلی توحید قرار می‌گیرند. در تبیین تمدنی از توحید، نه در پی ابعاد معنوی یا ماورایی تمدن، بلکه در جستجوی آثار کلان توحید در همین دنیا و در نظام‌های اجتماعی و در مناسبات انسانی در این جهان هستیم. توضیح اینکه مسلماً باور به توحید جنبه‌های قدسی دارد و حقیقت این باور و آثار ابدی آن برای یک موحد در جهان دیگر آشکار خواهد شد؛ لیکن باور به توحید در همین دنیا نیز کارکردها و پیامدهایی دارد که سنخ آن و جنس آن پیامدها متفاوت از پیامدهای آن جهانی است. در نگرش این جهانی به توحید، پرسش‌های ما و ابهامات ما کاملاً متفاوت خواهد بود. در رویکرد این جهانی به توحید، پرسش‌های ما همچون «اخلاقی و انسانی بودن توحید در مناسبات انسانی»، «آثار انسجام‌بخشی توحید در همین دنیا» و «کارکردهای نظم‌بخشی یا نظام‌بخشی توحید در تمدن اسلامی» است (بابائی، ۱۳۹۹، ص ۱۷۸).

اهداف توحیدی فقط در بستر اجتماع دست‌یافتنی است و بدون اجتماع صالح و توحیدی، زمینه برای تحقق معارف توحیدی فراهم نمی‌شود. بستر لازم برای تحقق معارف توحیدی، اخلاق و مکارم اخلاقی است و بستر مناسب رشد اخلاقی نیز جامعه صالح است. اگر جامعه بشری زمینه امنی برای تحقق ارزش‌های اخلاقی فراهم نکند، مقوله اخلاق، آسیب جدی می‌بیند و با آسیبی که در ناحیه اخلاق پدید می‌آید، معارف توحیدی نیز در مقام عمل انسانی آسیب می‌بیند و توحید تحقق نمی‌یابد. بر این اساس بدون اجتماع صالح انسانی، اساساً زمینه برای اخلاق و مکارم اخلاقی از بین خواهد رفت و اگر نفس انسانی بستر مساعدی برای تربیت اخلاقی پیدا نکند، هرگز به معرفت توحیدی که زندگی دنیا و معناداری آن کاملاً منوط به آن است، نخواهد رسید. به بیان دیگر، زندگی دنیا جز کسب معارف توحیدی، حاصلی ندارد و این معارف توحیدی نیز جز با مکارم اخلاقی و تهذیب نفس محفوظ نمی‌ماند و البته این اخلاق هم کامل نمی‌شود؛ جز با یک زندگی صالح اجتماعی.

بر این اساس اگر گفته می‌شود که جامعه انسانی در هدف رسالت انبیا اصالت دارد، نه بدان معناست که این هدف، هدف نهایی پیامبران است، بلکه بدین مفهوم است که اساساً برای رسیدن به خدا به مثابه هدف نهایی و غایی، جامعه در مقایسه با فرد تنها اصالت دارد و راه رسیدن به توحید را آسان‌تر فراهم می‌آورد. با عنایت به این رویکرد در کارکرد توحیدی جامعه، باید گفت هر مقدار جامعه بزرگ‌تر، کلان‌تر و فراخ‌تر باشد و به مرزهای تمدن نزدیک‌تر شود، به توحید نزدیک خواهد شد. به بیان روشن‌تر باید گفت همان‌گونه که فلسفه دین، ایجاد وحدت است، فلسفه یک تمدن دینی نیز باید به سمت وحدت پیش برود و هر مقدار وحدت عام‌تر و سهل‌تر بشود، تمدن نیز بزرگ‌تر و سریع‌تر شکل خواهد گرفت. آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌گوید: «تنها محور انسان‌ها و اتحاد جوامع بشری، فطرت توحیدی آنان است که امری عینی و تکوینی و نیز جاودانه و پایدار است؛ زیرا فطرت، نه از خصوصیت اقلیمی نشأت گرفته است تا با تغییر آن دگرگون گردد و نه در زمانه مخصوص محصور است تا با گذشت آن سپری شود و نه در معرض حوادث دیگر واقع می‌شود تا با تحول رخدادها فرسوده گردد؛ بلکه همچنان مشرف بر هر زمین و محیط بر هر زمان و حاکم بر هر سنت و رسم قومی و نژادی و مانند آن است؛ زیرا روح انسان، مجرد است و فطرت توحیدی که با هستی او عجین شده، منزه از ماده و مبرای از قوانین حاکم بر طبیعت تاریخ است. حاصل آنکه «وحدت جهانی» بدون پیوند تکوینی و همگانی میسر نخواهد بود و هرگونه پیوندی که با سرشت توحیدی انسان‌ها مطابق نباشد، اعتباری و زوال‌پذیر است. توجه انسان‌ها به فطرت توحیدی و خواسته‌های آن موجب پیوند اخوت و برادری انسانی در میان آنان خواهد شد.» (جوادی، ۱۳۹۰، ص ۸۸).

هدفمندی هستی و حاکمیت توحیدی، پایه‌ای‌ترین ظرفیت ایجاد تمدن جدید و متمایز جوامع است؛ رهیافتی که در پرتو خدامحوری یکتاپرستانه پیگیری می‌شود. بر اساس این مبنا، جهان هستی دارای هدفی روشن و سنتی تغییرناپذیر است که خداوند خالق و یکتا آن را آفریده و تدبیر می‌کند. بر اساس این نگرش، جهان هستی دارای معنا و هدف مشخصی است که آدمی با فهم و دریافت آن امید به زیستن می‌یابد و به بیان دیگر، تداوم حیات انسان در آن تضمین می‌شود. معنای زندگی چیزی است که دنیای امروزی به شدت به آن نیازمند است. اقبال لاهوری در زمان خویش به این نکته اساسی که همچنان بنیادین است، توجه داده بود که بشریت امروز به سه چیز نیازمند است: تعبیری روحانی از جهان، آزادی روحانی فرد، و اصولی اساسی و دارای تأثیر جهانی که

تکامل اجتماع بشری را بر مبنای روحانی توجیه کند (اقبال لاهوری، بی تا، ص ۲۰۳).

شهید مطهری در توضیح سخن اقبال می‌گوید که دنیای امروز از تفسیرهای مادی جهان به تنگ آمده است و همه بدبختی‌هایش نیز از همین است. بشر امروز به یک تفسیر روحانی از جهان احتیاج دارد تا دریابد جهان صاحبی به نام خدا دارد. تا این فکر در دماغ بشر پیدا نشود و تا بشر این خلقت و حیات را عبث می‌داند، همین است که هست؛ بدتر هم خواهد شد. بشر احتیاج دارد به یک فکر و عقیده و ایمانی که جهان را به یک شکل روحانی تفسیر کند؛ مبدأیی و منتهایی برایش قائل باشد. تفسیر توحیدی و مبتنی بر وحی از جهان هستی، زندگی و نجات را برای انسان به ارمغان می‌آورد (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲۱، ص ۴۶۷).

توحید مهم‌ترین ویژگی است که تمدن مطلوب اهل بیت علیهم‌السلام را از دیگر تمدن‌ها متمایز می‌سازد و پایه‌ای‌ترین مضمونی است که در همه عرصه‌های حیات بشر جاری است. توحیدی که انبیای الهی به آن دعوت کردند، الهامی است در زمینه حکومت، در زمینه روابط اجتماعی، در زمینه سیر جامعه، در زمینه هدف‌های جامعه، در زمینه تکالیف مردم، در زمینه مسئولیت‌هایی که انسان‌ها در مقابل خدا در مقابل یکدیگر در مقابل جامعه و در مقابل پدیده‌های دیگر عالم دارا هستند، توحید این است. همانگونه که در مقدمه مباحث بیان شد، منظور از شاخص تمدنی بودن فرازمانی، فرامکانی و فرادینی بودن مضمون است. بنابراین مضمون توحید نیز هم کلان‌نگر است و هم مناسبات اجتماعی انسان‌ها را سامان می‌دهد. چرا که وحدت نظام آفرینش و هستی از حیث مبدأ و معاد و فقر ذاتی آن به واجب‌الوجود بالذات، مقتضی وحدت و فقر هستی شناختی همه انسان‌ها و نیازمندی آنها به موجودی حی و قیوم بالذات است و در این زمینه تمایزی میان نوع انسان وجود ندارد. این فقر ذاتی نه تنها در مبدأ وجودی انسان بلکه در ساختار فطری و نیز در جنبه کمال یابی و سعادت که غایت سیر وجودی انسان است نیز ساری و جاری است. از این رو انسان در وجود، بقاء، کمال و ثمرات کمال خود نیازمند علت هستی بخش، هدایت بخش و فیاض علی الاطلاق است. نیاز فطری به خداوند در بقاء، هدایت و کمال ظرفیت لازم را برای تعقیب منافع انسان بماهو انسان بر پایه حق‌گرایی و پیروی از فرامین الهی، عاری از تعلقات قومی، نژادی، زبانی، ملی، و... فراهم می‌سازد (امیدی، ۱۴۰۰، ص ۳۷).

در مضمون انسان‌شناسی نیز ارتباط آن با توحید در روایات دیده می‌شود. کمال‌نهایی انسان

آنگاه حاصل خواهد شد که تمام استعدادها و ظرفیت‌های انسانی او در بعد بینش‌ها، گرایش‌ها و توانش‌ها به فعلیت تام برسد و رفتارها جنبه‌ی انسانی و الهی پیدا کند و مدار حرکت تکاملی او در بعد نظری و عملی حول محور توحید قرار گیرد (بشیری، ۱۳۸۸، ص ۵۹).

دعوت انسان‌ها به ارزش‌ها و فضایل اخلاقی، بزرگ‌ترین خدمت ادیان توحیدی و پیامبران به تمدن بوده است. ادیان الهی همیشه بشر را به آنچه خیر و صلاح است فراخوانده و از تعدی و تجاوز نهی می‌نمایند. آنچه به فضائل مورد دعوت و بشارت انبیا است و تمدن بشری را به پیش سوق می‌دهد زیاد است که اهم آنها با توجه به تکرار در روایات، در مضامین پایه آمده است. مهم‌ترین عامل موفقیت یک تمدن به این است که بتواند بیشترین تعداد از افراد و جوامع را با خود همراه سازد. لازمه‌ی این مهم، برخورداری از ویژگی چون فرامکانی و فرازمانی و شمولیت مخاطبین است. روح حاکم بر ارزش‌ها توحید است. هر انسان متمدن و تمدن‌ساز با عمل به برنامه‌های الهی و پایبندی به ارزش‌ها، هویت خویش را در جهت توحید تعریف می‌کند. تمدن روحی دارد که روح تمدن توحید است که در ارزش‌ها و هستی‌شناسی و انسان‌شناسی ظهور پیدا می‌کند و باعث حرکت و پویایی جامعه می‌شود. افراد جامعه در تلاش و همتی بالا در پی تحقق تمدنی با روحی پویا هستند که بتواند آنها را به سعادت و کمال نهایی برساند.

در نظام اجتماعی اگر رهبری فردی شایسته و باتقوا باشد، تمام نیروی خویش را صرف گسترش فرهنگ دینی در جامعه می‌کند و حکومتی تشکیل می‌دهد که در آن به قوانین عمل می‌شود و این امر خود موجب شکوفایی تمدن می‌گردد. رهبر در جامعه، به عنوان بالاترین جایگاه و موقعیت، مسئولیت مدیریت و مراقبت از حرکت تمدنی در مقیاس کلان را بر عهده دارد که از جمله آنها، تعیین مصادیق آرمان‌ها و اصول و خطوط قرمز به تناسب شرایط روز جامعه و گفتمان سازی در آن راستاست تا مردم نیز بر اساس آن گفتمان، جهت‌گیری فعالیت‌هایشان را در مقیاس خرد، بر مصادیق موردنظر رهبری منطبق سازند.

نقش رهبری در جریان تمدن سازی اسلامی به‌مثابه جریان پیش‌گامی است که خط حرکت را به تناسب شرایط جامعه مشخص می‌نماید تا مسیر جریان در مقیاس کلان مشخص شده و توده‌های مردم فعالیت‌های خود را در آن جهت تنظیم نمایند. به این ترتیب جریان تمدنی، با بهره‌مندی از عنصر هدایت رهبری، در مسیر اهداف و آرمان‌ها و در بستر اصیل خود جریان خواهد داشت. اثر

جایگاه رهبری، حرکت هدایت‌شونده است.

بنابراین، بحث اجتماع‌شناسی در رویکرد تمدنی اهل بیت علیهم‌السلام هم در بعد رهبری و هم در بعد قانون و هم در بعد مردم، نگاهی وحیانی و توجه به نیازمندی‌های اجتماع و تکامل و رشد جامعه و مردم است. این نگاه وحیانی را می‌توان در خط سیر توحید دنبال کرد. رهبر جامعه باید ویژگی‌هایی داشته باشد که خداوند متعال آنها را تعیین کرده است. قانون جامعه باید در جهت توحید باشد. مردم نیز باید در راستای اهداف الهی به سمت تمدن‌سازی حرکت کنند. لذا، در مضمون اجتماع‌شناسی، اساس رشد یک جامعه بر توحید محوری است.



شکل ۱. ایده هدایت‌گر: توحید

توجه به این نکته ضروری است که همه مضامین با توجه به دسته‌بندی و استخراج مضامین اصلی، در ارتباط با توحید هستند. مضامین هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی در ارتباط با توحید ذکر شد. همچنین، مضمون ویژگی‌های رهبری که در ارتباط با خود پیامبران الهی بود، ذکر شد. بنابراین، مضمون تمدنی توحید در بین مضامین به‌عنوان انگاره هدایت‌گر معرفی می‌شود.

با توجه به مطالب ذکرشده، حضور و جریان توحید در ابعاد مختلف رویکرد تمدنی اهل بیت علیهم‌السلام قابل مشاهده است. هیچ تمدنی بدون وحدت و یکپارچگی شکل نمی‌گیرد و تا زمانی که عناصر مختلف یک تمدن با هم انسجام، وحدت و هماهنگی نداشته باشند یک تمدن شکل نمی‌گیرد بلکه جزءها و دانه‌هایی هستند که فقط در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند؛ بنابراین، ضروری است که عنصری باشد که به همه این اجزای پراکنده وحدت ببخشد و آنها را در یک چارچوب واحد منسجم کند. این توحید است که در تمدن این نقش را ایفا کرده و چنین وحدتی را به وجود می‌آورد. اعتقاد به توحید، انسان را به این شناخت می‌رساند که همه کمالات و زیبایی‌ها منحصر در ذات خداوند است. همین اعتقاد، در مرحله عمل به یکپارچگی جامعه بشری می‌انجامد و از اختلاف و تشتت جلوگیری می‌کند؛ چرا که انسان‌ها را به حرکت هماهنگ به یک جهت وادار می‌سازد.

نظم اجتماعی و سیستم اجتماعی و شکل اجتماعی جامعه توحیدی، به کلی مغایر و مباین و متعارض و متضاد با جامعه غیر توحیدی است. وقتی عبودیت غیر نفی می‌شود، جامعه دارای یک ملاک ارزش‌گذاری جدید است یعنی هر آنچه که از دایره توحیدی خارج است ارزش نیست، زیرا اطاعت غیر خدا با تکامل و تعالی انسان منافی است. در جامعه‌ای که انسان نتواند رشد کند، جامعه نیز به رشد و تعالی نخواهد رسید. در مضامینی که از روایات استخراج شد ما به مضامینی چون اقامه عدالت و رفتار انسانی با مردم ضعیف و مدارا با مردم و... برخورد کردیم که با بحث توحید این مضامین معنا پیدا می‌کنند. وقتی فردی نگاه توحیدی داشته باشد می‌تواند همه مردم را یکسان ببیند و برای هیچ‌کسی درجه و امتیازی قائل نشود. همه افراد جامعه را بنده و مخلوق خدای یکتا می‌داند و رفتار مناسب با همگان خواهد داشت. رفتاری بدون تبعیض و تجاوز به حقوق آنها، لذا عدالت اجتماعی را در جامعه پیاده می‌کند. در رفتار با دیگران و نوع تعاملات خویش با دیگران نیز این بینش فکری حکم‌فرما است. در بحث چگونگی رفتار با مخالفین و حشرونشر و مدارا با مردمی که

از لحاظ مباحث عقیدتی نیز با انسان در تعارض هستند، اگر نوع نگاه خویش را نسبت به آنان تغییر دهیم و همه انسان‌ها و مخلوقات را در یک ردیف بندگی نسبت به خدا تصور کنیم، می‌توانیم با مدارا و زندگی اجتماعی مناسب پایه‌گذار جامعه توحیدی و به‌دوراز هرگونه تشدد و پراکندگی در جامعه باشیم. در واقع توحیدباوری هم بر رفتار و هم بر بینش و نگرش انسان تأثیرگذار است.

نکته‌ی قابل توجه این است که وقتی توحید وارد جامعه‌ای می‌شود ابتدا کاری می‌کند که بنای آن جامعه را با شکلی که متناسب این عقیده است، تغییر یابد. سپس به تکالیف فردی افراد جامعه نظر دارد. مهم‌ترین تغییر، نفی طبقاتی شدن اجتماع است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۱۶۶). توحید و معرفت خدا هم مایه تکامل و تعالی روح انسان است که این هدف عالی و نهایی انبیا است و هم طرح توحید به معنای ایجاد یک محیط الهی، یک جامعه و نظام الهی، یک نظام عادلانه، یک نظام بی‌طبقه، یک نظام بدون ظلم در جامعه است. وجود این جامعه به پرورش انسان نیز کمک می‌کند.

در جامعه غیرتوحیدی، هستی تنها به دنیای مادی ختم می‌شود و هرگونه وجود غیر محسوس با حواس و ادراکات حسی بشر انکار می‌شود. حیات اجتماعی غیردینی همواره با تقدس‌زدایی برخی از مظاهر جهان و مقام انسانی همراه بوده است و نیز تبیین جهان با استعانت از امور غیر مقدس و صرفاً مادی و با جایگزینی مظاهر عقلانی، علمی و فنی به جای مظاهر دینی شکل می‌گیرد. سکولاریزم عنوانی است که به این جامعه داده می‌شود. از دل این مکتب، اومانیزم پدید می‌آید که بر اساس این اصل انسان‌مدار و محور همه اشیا و خالق ارزش‌ها و ملاک تشخیص خیر و شر است. در واقع انسان جای خدا می‌نشیند و قادر است بدون در نظر قرار دادن دین و ارتباط با ماورای طبیعت، مشکلات زندگی و دنیای خود را حل کند. اومانیزم ارتباط با افراد، ملت‌ها و فرهنگ‌ها را تنها بر اساس هم‌نوعی بشریت قرار داده و خود به جای خدا و دین، قانون‌گذاری می‌کند و برای سرنوشت خود تصمیم می‌گیرد. کمال انسان به برآورده شدن تمایلات و نیازها تعریف می‌شود، همه چیز را اعم از امکانات طبیعی و انسانی را در این مسیر به خدمت می‌گیرد (نصرتی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹).

همانگونه که ذکر شد ایده هدایت‌گر تولیدکننده هویت تمدنی است که سبب تمایز تمدن‌ها از یکدیگر می‌شود. موحدانه زندگی کردن بر مبنای توحید اصیل، هویت تمدنی جوامعی است که جهت حرکت آنها، بر اساس توحید است. هویت تمدنی برخاسته از توحید، تفاوت و تمایزهای آشکاری با هویت غیرتوحیدی دارد. با توجه به تعریف هویت که در واقع تشخیص جمعی افراد

است، هویت به دو بخش قابل تقسیم است: ما به الاشتراکات و ما به الامتیازات. به تعبیر دیگر، تشخیص جمعی افراد در پرتو دو مؤلفه شکل می‌گیرد: خودیت که افراد ذیل آن تعریف می‌شود و غیر و دیگری که از آن متمایز می‌شوند. هویت تمدنی نیز از این امر مستثنا نیست، لذا باید در هر دو محور هویت تمدنی بررسی شود (کاظمی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۴۹).

در بعد خودیت، یکی از بنیان‌های اصلی شکل‌گیری هویت اجتماعی، احساس اشتراک اجتماعی و گروهی است که افراد یک جامعه نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند و وقتی این احساس اشتراک به سطحی از وحدت برسد که افراد نوعی پیوستگی با یکدیگر را احساس کنند، هویت جمعی افراد در سطوح مختلف شکل می‌گیرد. هویت تمدنی نیز از این قاعده مستثنا نیست. برای شکل‌گیری هویت تمدنی باید چنین وحدت اجتماعی در افق تمدنی یک جامعه شکل بگیرد. به طور کلی شکل‌گیری خود جمعی در یک هویت در دو سطح قابل بررسی است: ابتدا درک مشترکی که افراد یک جامعه از خود انسانی و گروهی دارند. این درک مشترک بر مبنای مؤلفه‌های اساسی زندگی و فرهنگی شکل می‌گیرد و مؤلفه‌هایی چون باور به توحید و ربوبیت الهی، نقش دین در زندگی، ارزش‌های اجتماعی و فردی... این احساس مشترک باید به یک وحدت و پیوستگی اجتماعی تبدیل شود تا هویت در سطح جامعه محقق شود. پیدایش این وحدت اجتماعی منوط به قرار گرفتن در ذیل یک رهبر دینی است که در این صورت این وحدت اجتماعی هویت‌ساز است. رهبر جامعه با ویژگی‌هایی که قبلاً ذکر شد، جهت‌دهنده‌ی تحولات جامعه و عامل محرک در تاریخ و فرهنگ جامعه است و وحدت در عالی‌ترین شکل پدید می‌آید. این شکل از وحدت اجتماعی، سازنده هویت تمدنی است (منبع پیشین). در بعد غیریت، تمایزاتی که یک جامعه در برابر هویت رقیب دارد و این تمایزات بر اساس نظام باور و جهانبینی شکل می‌گیرد. باور به توحید باعث غیریت هویت تمدنی توحیدباور از هویت غیرتوحیدی باور است.

پرسش مهمی که در این باره وجود دارد این است که اساساً در وضعیت تمدنی که همواره متکثر و متنوع است و شامل ادیان و مذاهب و سلايق فکری و عقیدتی گوناگون است، چگونه توحید، آن‌هم در وضعیت تعدد و تنوع فکری و عقیدتی می‌تواند شاخص باشد و همه‌ی ادیان و مذاهب موجود در آن تمدن را شامل شود. آیا توحیدی بودن تمدن به معنای اعتقاد به توحید از سوی همه ساکنان در این تمدن است، یا این که جامعه توحیدی، نه به معنای جامعه موحدان، بلکه به معنای

جامعه مبتنی بر دکترین توحید است که در آن حقوق موحدان و غیر موحدان مراعات می‌شود و انصاف و عدالت درباره انسان‌ها، حتی کسانی که اعتقادی به توحید نداشته باشند، ملحوظ می‌شود. در این باره باید خاطر نشان کرد اولاً، توحید خود مراتبی دارد و ممکن و معقول هم نیست که همه به لحاظ ایمانی در یک سطح باشند و به یک مرحله از توحید باور داشته باشند. حداقل‌های توحید و مشترکات فطری و توحیدی را در جوامع بزرگ انسانی می‌توان به باور عمومی بدل و برای توسعه و تعمیق آن در ساختار فردی و اجتماعی برنامه‌ریزی کرد؛ ثانیاً، توحیدی بودن تمدن، ضرورتاً به معنای موحد بودن همه افراد و اعضای آن تمدن نیست، بلکه مهم‌تر از افراد موحد، جامعه موحد، سیستم توحیدی و شبکه توحیدی در مقیاس کلان اجتماعی، باعث می‌شود حتی کسانی که تعلقات توحیدی ندارند نیز توحیدی عمل کنند و افرادی که در سطوح پایین توحید قرار دارند، در درجات توحیدی‌شان ارتقا یابند (بابائی، ۱۳۹۶، ص ۳۲).

نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال آن بود که انگاره هدایت‌گر و نقطه‌کانونی رویکرد تمدنی اهل‌بیت علیهم‌السلام را در ابواب تاریخی بحارالانوار به دست آورد تا در ایجاد تمدن نوین اسلامی آن را به مرحله ظهور برساند. توحید و باور و اعتقاد به ربوبیت خداوند متعال اساس و پایه شکل‌گیری تمدن در یک جامعه است. توحیدباوری بینش و رفتار انسان‌ها را تغییر می‌دهد و هم جامعه توحیدی در حرکت به سمت تمدن و رشد و تعالی با سرعت بیشتری حرکت می‌کند. توحید، نه فقط در عبادت، و پرهیز از رب‌های گوناگون، که در بعدهای مختلف اجتماعی انسان‌ها تأثیرگذار است. موجب اشتراک در زبان، اشتراک در دغدغه‌ها و انگیزه‌ها، اشتراک در برخی منابع معرفتی و ایمانی و اشتراک در خواسته‌ها و گرایش‌ها و عواطف در جامعه می‌شود و هریک از این‌ها در زمینه‌سازی برای تمدن و هویت مشترک تمدنی بسیار مهم و اثرگذار است.

بینش توحیدی هم ارزش‌های فرد و جامعه را نظام‌مند می‌کند و هم در تکامل انسان و شناخت انسان از خویشتن مؤثر است. رویکرد تمدنی اهل‌بیت علیهم‌السلام بر پای توحید شکل می‌گیرد و بر پایه توحید تداوم و گسترش پیدا می‌کند. لذا، جامعه متمدن جامعه‌ای است که در آن رهبر جامعه افراد را به پیروی از فرامین الهی که در چارچوب دین آمده است، فرامی‌خواند و قانون

جامعه همان دین الهی است و افراد به رشد و تعالی رسیده باشند. این جامعه عملی نخواهد بود مگر آن که مردم داخل دژ محکم و نفوذناپذیر «لا اله الا الله» شده باشند. توجه به این موضوع و جایگاه توحید افق تازه‌ای در مطالعات تمدن نوین اسلامی به روی پژوهشگران باز می‌کند.

منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۳)، *مقدمه ابن خلدون*، قاهره: دارالنهضة.
- اقبال لاهوری، محمد، *احیای فکر دینی در اسلام*، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات کتاب پایا، بی‌تا.
- امیدی، مهدی (۱۴۰۰)، مؤلفه‌های رویکرد تمدنی و تحلیل تمدنی از الگوی توحیدی منافع دولت اسلامی، چستی رویکرد تمدنی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۶)، شاخص‌های تمدن در دو رویکرد عرفی و قدسی، *پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی*، ش دوم، پاییز و زمستان.
- ----- (۱۳۹۹)، *تنوع و تعدد در تمدن اسلامی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بشیری، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، انسان در جستجوی کمال، معرفت، ۱۴۷.
- بهمنی خدنگ، محمدرضا، مولائی آرانی، مهدی (۱۴۰۰)، چستی رویکرد تمدنی از عرصه نظر تا *صحنه عمل*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جاویدی، رقیه (۱۴۰۱)، الگو و نظریه کارآمدی دولت اسلامی با رویکرد تمدنی و تطبیق بر دلالت‌های عملی آن از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، *دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره ۵، ش ۱.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵)، *توحید در قرآن*، چاپ هشتم، قم: اسراء.
- ----- (۱۳۹۰)، *وحدت جوامع در نهج البلاغه*، چاپ سوم، قم: اسراء.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۸)، *طرح کلی در اندیشه اسلامی*، چاپ ۲۳، تهران: صهبا.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۸۵)، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- رشید، سلیم (۱۳۸۴)، *پاسخ آسیا به نظریه برخورد تمدن‌ها*، ترجمه محمدصادق خرازی، تهران: انتشارات خورشید آفرین.
- ساجدی، هادی، پارسانیا، حمید، بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۹)، *رویکرد تمدنی و شاخصه‌های آن از منظر مؤسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی؛ با تأکید بر دیدگاه تمدنی عمادالدین خلیل، مطالعات اندیشه معاصر مسلمین*، دوره ۶، ش ۱۱.
- سبحانی، محمدتقی (۱۳۹۳)، *ظرفیت‌های دانش کلام در ظرفیت تمدنی، نقد و نظر*، دوره ۱۹، ش ۳.
- سرپرست سادات، ابراهیم (۱۴۰۰)، *کمال مردم‌سالاری دینی در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی؛ رویکرد تمدنی، دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره ۴، ش ۱.
- شریفانی، محمد (۱۳۸۴)، *تجلی توحید در ادعیه، اندیشه دینی*، ش ۱۵.
- صلیبا، جمیل (۱۳۷۰)، *واژه‌نامه فلسفه و علوم اجتماعی*، ترجمه کاظم برگ سینی و صادق سجادی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، محدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن الکریم*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- عابدی جعفری، حسن و دیگران (۱۳۹۰)، *تحلیل مضمون و شبکه مضمون: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی*، ش ۲.
- عبداللهی، یحیی (۱۳۹۳)، *فلسفه تاریخ شیعی، قم: کتاب فردا*.
- کاظمی، مجتبی، مظاهری، ابوذر (۱۳۹۵)، *الزامات شکل‌گیری هویت تمدنی در افق مهدوی، مشرق موعود*، دوره دهم، ش ۳۹.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۵۳ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی عمومی*، تهران: کتابخانه مطهری.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۹۳)، *معارف قرآن ۱*، چاپ هفتم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، *مجموعه آثار*، قم: انتشارات صدرا.

- معارف، مجید، قرشی، سیده عاطفه، امین ناجی، محمدهادی، دل آفکار، علی‌رضا (۱۳۹۸)، دسته‌بندی روایات تاریخی مجمع‌البیان، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، دوره ۲۵، ش ۶۶.
- مکارم، ناصر (۱۳۸۷)، تفسیر نمونه، چ بیست و ششم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مهدی زاده، حسین (۱۳۹۳)، بینش تمدنی؛ منظومه اعتقادات اجتماعی، چ دوم، قم: کتاب فردا.
- نصرتی، علی اصغر (۱۳۸۷)، نظام سیاسی اسلام، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر هاجر.
- نوروزی فیروز، رسول (۱۳۹۴)، تمدن به مثابه سطح تحلیل، نقد و نظر، دوره ۲۰، ش ۴.

References

- Ibn Khaldun, Abd al-Rahman ibn Muhammad (1984), *Introduction by Ibn Khaldun*, Cairo: Dar al-Nahdha. [In Persian]
- Iqbal Lahori, Muhammad, *revival of religious thought in Islam*, translated by Ahmad Aram, Tehran: Kitab Paya Publications, B. [In Persian]
- Omid, Mehdi (2021), Civilizational Approach Components and Civilizational Analysis of the Monotheistic Model of the Islamic State's Interests, What is the Civilizational Approach, Qom: *Research Institute of Islamic Sciences and Culture*. [In Persian]
- Babaei, Habibullah (2016), indicators of civilization in two traditional and sacred approaches, *researches on modern Islamic civilization*, second volume, autumn and winter. [In Persian]
- ----- (2019), Diversity and Multiplicity in Islamic Civilization, Qom: *Research Institute of Islamic Sciences and Culture*. [In Persian]
- Bashiri, Abulqasem (2009), Man in Search of Perfection, *Marafet*, (147). [In Persian]
- Bahmani Khadang, Mohammad Reza, Moulai Arani, Mehdi (1400), What is the civilizational approach from the field of opinion to the scene of action, Qom: *Research Institute of Islamic Sciences and Culture*. [In Persian]
- Javidi, Ruqiyeh (2022), the model and theory of the efficiency of the Islamic state with a civilizational approach and applying it to its practical implications from the point of view of Imam Khomeini (RA) and the Supreme Leader, *biannual scientific journal of fundamental studies of modern Islamic civilization*, volume 5, (1). [In Persian]

- Javadi Amoli, Abdullah (2015), *Monotheism in the Qur'an*, Chapter 8, Qom: Isra'a. [In Persian]
- ----- (2013) *Unity of communities in Nahj al-Balaghah*, third chapter, Qom: Isra'a. [In Persian]
- Khamenei, Ali (2018), *Outline of Islamic Thought*, Chapter 23, Tehran: Sohba. [In Persian]
- Durant, William James (2006), *History of Civilization*, translated by Ahmad Aram and others, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. [In Persian]
- Rashid, Salim (2004), *Asia's response to the theory of the clash of civilizations*, translated by Mohammad Sadegh Kharazi, Tehran: Khurshid Afarin Publications. [In Persian]
- Sajedi, Hadi, Parsania, Hamid, Babaei, Habibullah (2019), Civilization approach and its characteristics from the perspective of the International Institute of Islamic Thought; Emphasizing the civilizational perspective of Emaduddin Khalil, *studies of contemporary Muslim thought*, 6th period, (11). [In Persian]
- Sobhani, Mohammad Taqi (2013), The capacities of knowledge of theology in the capacity of civilization, *criticism and comment*, 19th period, (3). [In Persian]
- Sadat Sadat, Ibrahim (2021), the perfection of religious democracy in the thought of the leaders of the Islamic Revolution; the civilizational approach, *two-quarter scientific journal of fundamental studies of modern Islamic civilization*, volume 4, issue (1). [In Persian]
- Sharifani, Mohammad (2004), The Manifestation of Monotheism in Prayers, *Religious Thought*, vol. (15). [In Persian]
- Saliba, Jameel (1991), *Glossary of Philosophy and Social Sciences*, translated by Kazem Bargh Sini and Sadegh Sajjadi, Tehran: Publishing Company. [In Persian]
- Tabatabaei, Mohd Hossein (1417 AH), *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an al-Karim*, translated by Mohammad Baqer Mousavi Hamdani, Qom: Jamia Modaresin Publications. [In Persian]

- Abedi Jafari, Hassan and others (2013), Theme analysis and theme network: a simple and efficient way to explain patterns in qualitative data, *Strategic Management Thought*, Vol. 2 [In Persian]
- Abdullahi, Yahya (2013), *Philosophy of Shiite History*, Qom: Kitab Farda. [In Persian]
- Kazemi, Mojtabi, Mazaheri, Abuzar (2015), Requirements for the formation of a civilizational identity in the Mahdavi horizon, *The Promised East*, 10th period, Vol. [In Persian]
- Majlisi, Muhammad Baqir (1453 AH), Bihar al-Anwar al-Jamaa leder Akhbar al-Imam al-Athar (peace be upon him), Beirut: Darahiya al-Tratah al-Arabi. [In Persian]
- Mohseni, Manouchehr (1995), *General Sociology*, Tehran: Motahari Library. [In Persian]
- Misbah, Mohammad Taqi (2013), *Quran Education 1*, Ch 7, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Motahari, Morteza (2009), *Collection of works*, Qom: Sadra Publications. [In Persian]
- Ma'arif, Majid, Qorshi, Seyida Atefeh, Amin Naji, Mohammad Hadi, Del Afkar, Ali Reza (2018), Classification of historical narratives of Majam Al Bayan, *Historical Studies of Qur'an and Hadith*, Volume 25, No. 66. [In Persian]
- Makarem, Nasser (2007), *Tafsir al-Nashon*, 26th chapter, Tehran: Dar al-Katb al-Islamiyeh. [In Persian]
- Mehdizadeh, Hossein (2013), *Civilization Insight*; System of social beliefs, Ch II, Qom: Kitab Farda. [In Persian]
- Nusrati, Ali-Asghar (2008), *The Political System of Islam*, fifth chapter, Qom: Hajar Publishing Center. [In Persian]
- Nowrozi Firouz, Rasul (2014), Civilization as a level of analysis, *criticism and opinion*, 20th period, vol. (4). [In Persian]